

نقد و مقابله ترجمه های قرآن کریم

مطالعه موردی سوره بقره^۱

دکتر محمد حسن نقیبه

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

چکیده

نقد ترجمه در میان مترجمان فرهیخته جهان، ارزش و اعتبار خاص خود را دارد. این در حالی است که در جامعه ما، از نقد ترجمه - به ویژه، متون مقدس - کمتر استقبال می شود در صورتی که اگر مترجم بخواهد در کار خود، روز به روز، موفق تر از گذشته باشد، باید انتقاد را بپذیرد و تلاش کند با به کار بستن موارد طرح شده در نقد منتقدان، کاستی ها را برطرف و خوبی ها را تقویت کند؛ بر این اساس، نگارنده در این نوشتار به نکته هایی در ترجمه متون مذهبی به ویژه، قرآن کریم اشاره می کند که توجه به آنها، موجب موفقیت و سرفرازی بیشتر مترجمان و تصحیح روند تکامل یابنده ترجمه قرآن کریم می شود؛ در نتیجه، مترجم تلاش می نماید به هنگام ترجمه، دقت و وسواس بیشتری به خرج دهد؛ تا ترجمه مطلوب تری ارائه دهد که نهایتاً، در رشد و تعالی ترجمه ها، تأثیر بسیار مطلوبی خواهد گذاشت.

سرانجام با بررسی بیشتر ترجمه های موجود قرآن کریم، به نظر می رسد برخی از آنها، ما را به هدف و غایتمان که بهره هر چه بیشتر از کلام وحی است، نمی رسانند؛ زیرا بین متن و مخاطب ارتباط برقرار نمی کنند؛ لذا نگارنده در این مقاله، قصد دارد با ارائه شواهد، سپس ترجمه پیشنهادی خود به نقد و بررسی برخی ترجمه های موجود قرآن کریم بپردازد.

واژگان کلیدی: نقد، ترجمه، متون مذهبی، نقد ترجمه، قرآن کریم

ترجمه، بهترین و اساسی‌ترین نقش را در انتقال فرهنگ و تمدن، متون علمی و مذهبی و شاه‌کارهای ادبی ایفا می‌کند؛ ترجمه، ذوق است، ترجمه، فن است و هر چند دامنه ترجمه، گسترده و نامحدود است و نمی‌توان آن را در چارچوبی کامل قرار داد ولی مبانی و اصولی دارد که مترجمان، باید بدان پای بند باشند. نگارنده در این جا قصد بیان این اصول را ندارد ولی بنا دارد به بررسی ترجمه‌ها بپردازد که آیا معیارها و موازین ترجمه در آنها رعایت شده است یا نه؟ به عبارت دیگر به نقد ترجمه می‌پردازد.

در ارزش و اعتبار نقد ترجمه، نباید هیچ‌گونه تردیدی به دل راه داد؛ نقد ترجمه اگر بدون غرض و کینه و با توجه به اصول و چارچوب‌های درست آن به درستی انجام گیرد و مبتنی بر علم و آگاهی باشد، موجب تحوّل شگرف و پیشرفتی چشمگیر در زمینه ترجمه می‌شود. از دیگر سوی، اگر مترجمان از نقد آثارشان، آزرده خاطر و عصبانی شوند، نشانه نارسایی ترجمه و ناموفق بودن مترجم است. البته برخی بر این نظرند که نقد «إظهار ما به من العیب = عیب و اشکال موجود را بیان کردن» است، در صورتی که در نقد باید به ویژگی‌های مثبت و منفی - هر دو - پرداخته شود.

نقد ترجمه از دیدگاه‌های مختلفی از جمله واژگانی و نحوی بررسی پذیر است. در نقد ترجمه، باید نشان داده شود آیا مترجم از جهت واژگانی، نتوانسته است به خوبی معادل‌یابی کند یا از جهت دستوری؟ زیرا نباید نقش ساختارهای دستوری، بلاغی و ... را در ترجمه نادیده گرفت، به ویژه اینکه ساختار دستور زبان عربی بر پایه قرآن بوده، هم چنان که قرآن کریم، مشحون از بلاغت است. بنابراین می‌طلبند که مترجمان، زبان عربی را به طور علمی و آکادمیک فرا گیرند هر چند «برای ترجمه قرآن کریم به هر زبان دیگری تنها آشنایی با زبان عربی و آن زبان دیگر، کافی نیست»^۱.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد در ترجمه قرآن کریم، تخصص نیز باید در نظر گرفته شود؛ از این روی، هر فردی در یک زمینه تخصص لازم را دارد پس باید مجموعه‌ای از افراد متخصص به ترجمه آن بپردازند، لذا نگارنده بر دیدگاه خود پافشاری می‌کند که ترجمه قرآن باید گروهی باشد زیرا ترجمه انفرادی نوعی خیانت در ترجمه است به ویژه قرآن کریم، که به خاطر وحیانی

بودنش، ترجمه گروهی را می طلبد. یا بر عکس، نقطه قوت ترجمه در چیست؟ منتقد باید ویژگی های مثبت و منفی ترجمه را - به دور از هر گونه حب و بغض - مورد بررسی دقیق قرار دهد.

نقد ترجمه، باید به خواننده، آگاهی بدهد و نکات پوشیده را برملا سازد؛ ولی متأسفانه امروز، بیشتر معرفی کتاب است و در پایان هم به چند عیب جزئی و تعریف و تمجید از مترجم پرداخته می شود؛ در حالی که جوهر کار در نظر گرفته نمی شود. بنابراین، چون نقد ترجمه، جدی گرفته نمی شود، تا کنون تأثیر بسزایی بر روی مترجمان نگذاشته است؛ در حالی که در کشورهای پیشرفته به نقد ترجمه اهمیت می دهند، از این روی مترجم همیشه زیر ذره بین منتقدان، قرار دارد. از آنجا که مترجم به خوبی می داند، ترجمه اش مورد نقد قرار می گیرد، تلاش می نماید، دقت و وسواس بیشتری به خرج دهد؛ بدین علت، تأثیر مطلوبی در رشد و تعالی ترجمه داشته است. اگر مترجم، بخواهد در کار خود، روز به روز، موفق تر از گذشته باشد، باید انتقاد پذیر باشد و تلاش کند با به کار بستن موارد طرح شده در نقد منتقدان، کاستی ها را برطرف و خوبی ها را تقویت کند؛ البته، منتقد هم نباید، قصد ایراد گیری نابجا و عیب جویی داشته باشد و عیوب ترجمه را بزرگ جلوه دهد و یا اینکه به مدح و ستایش نابجای مترجم بپردازد. بر این اساس، نگارنده بر آن شد که جهت اشاعه فرهنگ نقد ترجمه در جامعه، به نقد ترجمه سوره مبارکه بقره قرآن کریم «آیت الله مکارم شیرازی^۴، دکتر مجتبیوی^۵ و بهاء الدین خرمشاهی^۶» بپردازد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲- نقد کل ترجمه ها:

نگارنده در این مقاله، قصد دارد به ذوق و سلیقه جامعه مسلمان ایرانی و متکلمان به زبان شیرین فارسی پاسخ و آن را در ترازوی نقد و بررسی قرار دهد؛ البته ترجمه متون عربی به فارسی - به ویژه قرآن کریم - پیچیدگی های خاص خود را دارد. به نظر می رسد، مهم ترین مشکل مترجمان این متون، نبود روش ترجمه است زیرا بیشتر مترجمان کشور، ترجمه را به طور تجربی فرا گرفته و اسلوب ترجمه را به طور علمی و آکادمیک و تخصصی آموزش ندیده اند که این موضوع در آثار ترجمه شده، نمود دارد. هر چند، نگارنده هیچ گاه نقش تجربه را در ترجمه و ذوقی و فنی بودن آن را نادیده نمی گیرد ولی رسیدن به اهداف ترجمه در صورتی میسر است که مترجم، امانتداری،

معادل یابی، تسلط بر هر دو زبان مبدأ و مقصد، تخصص در موضوع و دیگر شرایط را داشته باشد. به نظر می‌رسد، ترجمه‌های موجود قرآن به جای آنکه ارتباطی باشند، معنایی هستند، در صورتی که اگر مترجم، ضمن رعایت شرایط ترجمه به ذوق و سلیقه مخاطب، پاسخ ندهد موجب ناکامی وی در ترجمه می‌شود. شیوایی، زیبایی شناسی، سلاست و دل‌نشین بودن ترجمه‌ها در گرو ارائه یک اثر ترجمه شده خوب است؛ نگارنده لازم می‌داند به نکته‌هایی در ترجمه متون مذهبی به ویژه قرآن کریم اشاره کند که توجه به آنها موجب موفقیت و سرفرازی مترجمان و تصحیح روند تکامل یابنده ترجمه قرآن کریم می‌گردد؛ برخی از این نکات عبارتند از:

الف - ترجمه‌های تکراری، همچنان در جامعه صورت می‌گیرد بدون اینکه به ترجمه‌های پیشین نظری بیفکنند که آیا آنها موفق بوده اند یا خیر! (که به نظر مخاطب ایرانی، غالب ترجمه‌ها ناموفق بوده‌اند زیرا تاکنون، به شخصی برخورد نکرده‌ام که از ترجمه‌های موجود متون مذهبی، راضی و خشنود باشد.)

ب - ترجمه‌های بد موجود، مانع از ارائه ترجمه‌های خوب می‌شود، زیرا این ترجمه‌ها، در میان عوام جامعه، جای خود را باز کرده اند و مخاطب به ترجمه‌های بد عادت کرده است! ج - « من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مآ یصلح = هر کس بدون دانش و تخصص لازم به کاری دست بزند بیش تر از آن که به اصلاح بپردازد به افساد می‌انجامد » اگر به راستی، مترجمان قرآن به جوامع اسلامی خدمت کرده اند، چرا مخاطبان از ترجمه‌های موجود، فرار و تنها گاهی به ناچار به آنها مراجعه می‌کنند؟

د - آیا مترجمان متون مذهبی، تاکنون درباره ترجمه‌های خود به ارزیابی و سنجش افکار عمومی جامعه مسلمانان ایران پرداخته‌اند؟ آیا می‌توانند به این سؤال پاسخ دهند که ترجمه‌های موجود، اساساً مورد پذیرش جامعه قرار گرفته اند یا نه؟

ه - ترجمه قرآن به دلیل « وحیانی بودن و اینکه با عقیده مردم سر و کار دارد »^۶ با دیگر کتابها متفاوت است. ترجمه برای چه کسانی است؟ آیا نه اینکه برای مخاطبان، زبان مادری است؛ مخاطبان زبان فارسی به نظر می‌رسد که از ترجمه‌های موجود ناراضی اند؛ پس مخاطب مترجمان چه گروهی است؟

اما به نظر می‌رسد، نبود نقد ترجمه، باعث شده است که هر کس به ترجمه متون مذهبی روی

آورد؛ لذا نگارنده، امیدوار است این مقاله و مقالات دیگر نویسندگان، موجب روشنگری جامعه مسلمان شود و با دید تازه‌ای به ترجمه‌های موجود نگریسته و آنها را مورد توجه و عنایت خویش قرار دهند تا سرانجام، موجب روشمندی و قانونمندی در ترجمه‌ها، شود.

۳- نقد ترجمه‌های برگزیده:

نگارنده، ترجمه‌های مذکور را بدون در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی، سیاسی، دینی و... مترجمان، انتخاب کرده است؛ با نظرخواهی از دوستان و همکاران، بنا بر آن شد از مترجمان مختلف (حوزه، دانشگاه و آزاد) انتخاب شود و منتقد، فقط از دیدگاه علمی به نقد و بررسی ترجمه‌های مذکور بپردازد:

پیش از این، متذکر شدیم که ترجمه قرآن، باید گروهی باشد و غالب ترجمه‌های انفرادی، اشکالات و ایراداتی دارند ولی این گفته، دلیل بر این نیست که منتقد، زحمات و تلاش‌های بزرگان ترجمه را نادیده می‌گیرد؛ بنابراین، با نقد و بررسی این ترجمه‌ها، قصد ندارد دیدگاه خود را به جامعه مترجمان، دیکته کند بلکه بنا بر وظیفه، به این موضوع، روی آورده است؛ بدون تردید، هدف همه این عزیزان، قرآنی بوده و قصد گسترش علوم قرآنی را در جامعه داشته‌اند:

۱- به نظر می‌رسد، هر یک از این مترجمان، در بخشی تخصصی از ترجمه این کتاب الهی، زبردست و ماهر بوده‌اند؛ به عنوان مثال، توضیحات تفسیری آیت الله مکارم شیرازی، نشانه متخصص بودن معظم له در تفسیر این کتاب الهی است؛ یا مرحوم دکتر مجتبی‌بوی گاهی به طور موجز به شرح واژگان پرداخته که بسیار بجا، مناسب و ضروری است؛ یا آقای خرمشاهی با کاربرد واژگان روز به ترجمه قرآن زینت بخشیده است؛

۲- مترجمان مذکور، در بسیاری موارد، معادل یابی را به خوبی انجام داده‌اند؛

۳- امانتداری مترجمان، چشمگیر است و شاید یکی از اشکالات ترجمه آنها، همین باشد که خواسته‌اند به ترجمه معنایی روی آورند، لذا ترجمه شان مخاطب پسند نیست؛

۴- هرچند، کوشش کرده‌اند که ترجمه‌ای خوب ارائه دهند ولی با زبانی سلیس، شیوا و مخاطب‌پسند، ارائه نشده است.

۵- چنین به نظر می‌رسد که علی‌رغم توانایی مترجمان مذکور، گاهی به نکات صرفی و

نحوی توجه نشده است که به برخی از آنها ذیلاً اشاره، می‌شود:

۶ - صاحبان ترجمه‌های قرآن برخی به موضوع تسلط کامل دارند، مانند: آیت الله مکارم

شیرازی و برخی به معادل یابی، مانند: آقای خرمشاهی؛

۷ - برخی به متن، بسیار وفادار بوده اند - مانند مرحوم مجتوی - که همین امر، مانع

سلاست و شیوایی ترجمه شده است؛

۸ - البته، گاهی نیز واژگان مهجور به کار گرفته شده است مانند آیت الله مکارم شیرازی که

موجب مخاطب گریزی می‌شود؛

۹ - به نظر می‌رسد، مترجمان محترم نتوانسته اند به دلایل مختلف، پیام متن الهی را به

مخاطب منتقل کنند که موجب سردرگمی مخاطب شده‌اند؛

۱۰ - در ترجمه‌های مذکور، اصطلاحات حقوقی، فقهی، تاریخی و ... به توضیح بیشتری

نیاز دارند؛

۱۱ - گنگ بودن، نامفهوم بودن، به زبان روز نبودن و مخاطب گریزی از جمله مشکلات

ترجمه‌های موجود قرآن کریم است؛

۱۲ - معلوم نبودن مخاطبان با توجه به گروه سنی، یا به دیگر عبارات، طبقه بندی نکردن

مخاطبان، موجب ضعف در ترجمه‌ها، شده است؛

۱۳ - در مجموع، مترجمان می‌توانستند، ترجمه‌ای بسیار شیواتر، دلنشین تر و جذاب‌تر

ارائه داده و کمتر به ترجمه تحت اللفظی روی آورند که ترجمه تحت اللفظی، نشانه ضعف

مترجم است؛

نگارنده به جهت اینکه، گفته نشود، فقط انتقاد کرده و پیشنهادی، ارائه نداده است، ترجمه

پیشنهادی خود را نیز ارائه می‌دهد، هر چند به نظر می‌رسد برخی ترجمه‌های پیشنهادی

نیز، خالی از اشکال نباشند؛

دگر بار تأکید می‌شود علی‌رغم تلاش، صداقت و تخصص بخشی مترجمان مذکور، باید به

ترجمه گروهی با شرایط مذکور در مقاله قبلی این جانب روی آورند.

الف - ادات حصر:

«انما = حرف نفی + ... + الّا + ... = «ادات حصر»؛ معادل حصر در زبان فارسی، قیدهای

انحصار «فقط، تنها» هستند. مترجم باید، این قیدها را پیش از محصور علیه قرار دهد تا پیام مؤلف به خوبی به مخاطب منتقل شود. مثال:

آیه ۹۹: ما یکفر بها إلا الفاسقون.

مکارم: جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی ورزد.

مجتبوی: جز بدکاران نافرمان به آنها کافر نشوند.

خرمشاهی: جز نافرمانان کسی به آنها انکار نمی ورزد.

ترجمه پیشنهادی: فقط، تبهکاران از آنها دوری می جویند (آنها را نادیده می گیرند).

آیه ۲۰۱: ما هم بضارین به من امة إلا باذن الله.

مکارم: ولی هیچ گاه نمی توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان رسانند.

مجتبوی: و این ها با آن بی اذن خدا به هیچ کس گزند نمی توانستند رسانند.

خرمشاهی: و البته به کسی زیان رسان نبودند مگر به اذن الهی.

ترجمه پیشنهادی: فقط به اذن الهی - (به کسی) زیان می رسانند.

آیه ۱۶۳: و الهکم اله واحد لا اله إلا هو الرحمن الرحیم.

مکارم: و خدای شما، خداوند یگانه ای است که غیر از او، معبودی نیست اوست بخشنده و مهربان (و دارای رحمت خاص).

مجتبوی: و خدای شما، خدایی است یگانه، خدایی جز او نیست، بخشاینده است و مهربان

خرمشاهی: و خدای شما خدای یگانه است که خدایی جز او نیست و بخشنده مهربان است.

ترجمه پیشنهادی: و معبودتان، خدای یگانه ای است که فقط او بخشنده و مهربان است.

آیه ۱۶۹: إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء و أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون

مکارم: او، شما را فقط به بدیها و کار زشت فرمان می دهد (و نیز دستور می دهد) آن چه را که نمی دانید به خداوند نسبت دهید.

مجتبوی: همانا او شما را به بدی و زشت کاری فرمان می دهد و اینکه در باره خدا آن چه نمی دانید بگویید

خرمشاهی: جز این نیست که او شما را به بدی و ناشایستی و امی دارد و بر آن می دارد که آنچه نمی دانید به خداوند نسبت ندهید.

ترجمه پیشنهادی: وی، شما را فقط به بدی و ناشایستی وامی‌دارد، و این که آن چه را نمی‌دانید به خدا نسبت دهید.

آیه ۲۸۶: لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا.

مکارم: خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی‌کند.

مجتبوی: خداوند هیچ کس را تکلیف نکند مگر به اندازه توانش.

خرم‌شاهی: خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند.

ترجمه پیشنهادی: خداوند هر کس را به اندازه توانش تکلیف می‌کند.

ب - معادل یابی:

از جمله مهم‌ترین وظیفه‌مترجم، معادل‌یابی است؛ این امر، مستقیماً بر روی قالب ترجمه تأثیر می‌گذارد و موجب بازتاب مخاطب می‌شود. ساختار زبانی مخاطب، می‌طلبد که مترجم، معادل‌هایی را به کارگیرد که فرد دریافت‌کننده، آن را بپسندد یا به دیگر عبارت براساس ذوق و سلیقه باشد. در حقیقت، معادل‌یابی، انتقال پیام مؤلف به نحو کمال مطلوب است که در قالب زبان مقصد، ارتباط برقرار می‌کند؛ برای تشخیص اینکه، آیا معادل‌یابی به خوبی صورت گرفته است یا نه؟ باید ارزیابی کرد آیا مخاطب از ترجمه ما لذت می‌برد یا نه؟! البته باید شرایط دیگر ترجمه را نیز در نظر گرفت. پس در معادل‌یابی، نباید کلمات مهجور و نامأنوس مخاطب به کار گرفته شود.

آیه ۵۷: وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْمَنِّ وَالسَّلْوَى.

مکارم: و من {شیره مخصوص و لذیذ درختان} و سلوی {مرغان مخصوص شبیه کبوتر} را بر شما فرستادیم.

مجتبوی: و برایتان من - ترنجبین - و سلوی - مرغی مخصوص - فرستادیم .

خرم‌شاهی: و برایتان من و سلوی فرو فرستادیم .

ترجمه پیشنهادی: و برایتان من (نعمت) و سلوی (رفاه و سرگرمی) فرو فرستادیم .

آیه ۵۸: وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ.

مکارم: و بگوئید: «خداوند! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشاییم و به نیکوکاران پاداش

بیشتری خواهیم داد.

مجتبوی: و بگوئید گناهان ما را فرو بریز تا گناهان شما را بیامرزیم و زودا که { پاداش } نیکوکاران را بپذیرایم.

خرمشاهی: (و برای عذرخواهی) حطه بگوئید تا گناهان شما را ببخشیم و پاداش نیکوکاران را خواهیم افزود.

ترجمه پیشنهادی: (و برای عذر خواهی) حطه (کلمه ای که با گفتن آن گناه از بنده فرو نهد) بگوئید تا از گناهان شما در گذریم و به زودی (به پاداش) نیکوکاران خواهیم افزود.

آیه ۱۰۴: یا أيها الذین آمنوا لاتقولوا راعنا و قولوا انظرنا و اسمعوا و للکافرین عذاب الیم.

مکارم: ای افراد با ایمان (هنگامی که از پیغمبر، تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می کنید) نگوئید: «راعنا» بلکه بگوئید «انظرنا» (زیرا کلمه اول، هم به معنای «ما را مهلت بده» و هم به معنای «ما را تحقیق کن» می باشد و دستاویزی برای دشمنان است). بشنوید! و برای کافران (استهزا کنندگان)، عذاب دردناکی است.

مجتبوی: ای کسانی که ایمان آورده اید { به پیامبر } مگوئید (راعنا) و بگوئید (انظرنا) - ما را در نظر داشته باش، به ما بنگر - و گوش فرا دارید و کافران را عذابی است دردناک.

خرمشاهی: ای کسانی که ایمان آورده اید نگوئید (راعنا) و بگوئید (انظرنا) و گوش شنوا داشته باشید و کافران عذابی دردناک (درپیش) دارند.

ترجمه پیشنهادی: ای مومنان! نگوئید (راعنا) (ما را مراعات بکن) بلکه بگوئید (انظرنا) (به ما نگاه کن) گوش کنید که کافران عذابی دردناک (درپیش) دارند.

آیه ۶۲: الذین هادوا و النصارى و الصابئين.

مکارم: و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصاری و صابئان { پیروان یحیی } ...

مجتبوی: و یهودیان و ترسایان و صابئان ...

خرمشاهی: یهودیان و مسیحیان و صابئین ...

ترجمه پیشنهادی: (یهودیان و مسیحیان و صابئان ... { پیروان یحیی } ...

آیه ۶۸: ... قال إنه يقول إنها بقرة...

مکارم: گفت: خداوند می فرماید: ماده گاوی است...

مجتبوی: گفت: او می گوید: گاوی است...

خرمشاهی: گفت او می فرماید: آن گاوی است...

ترجمه پیشنهادی: گفت: خداوند می فرماید: که قطعاً، آن، ماده گاوی است...

آیه ۷۲: ...والله مخرج ما كنتم تكتمون

مکارم: و خداوند آن چه را که پنهان می داشتید آشکار می سازد.

مجتبوی: و خدا آنچه را که پنهان می داشتید، آشکار کننده بود.

خرمشاهی: و خداوند آشکار کننده چیزی است که پنهان می ساختید.

ترجمه پیشنهادی: خداوند رازهایتان را بر ملا می سازد.

آیه ۱۴۸: ولکل وجهه هو موليها...

مکارم: هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است.

مجتبوی: هر گروهی - یا هر کس - را جهتی است که روی سوی آن می گرداند.

خرمشاهی: و هر یک را جهتی است برای قبله که خداوند روی آورشان گردانده است...

ترجمه پیشنهادی: هر (کس، گروه و یا قبیله) قبله‌ای دارد که (خداوند) آن را تعیین کرده

است.

ج - حال:

معادل قید حالت^۱، در زبان فارسی است و چگونگی حالت فاعل، مفعول، مبتدا، خبر و... را بیان

می کند؛ طبیعی است در زبان مقصد، حال در جای خاصی قرار نمی گیرد، البته باید «صاحب

حال» را شناخت و موقعیت حال را در جمله، تعیین کرد.

آیه ۱۱۹: إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...

مکارم: ما تو را برآستی نوید رسان و بیم دهنده فرستادیم...

مجتبوی: ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم...

خرمشاهی: ما تو را به حق مژده آور و هشدار دهنده فرستادیم...

ترجمه پیشنهادی: بی تردید ما ترا به راستی، بیم و امید دهنده فرستادیم...

آیه ۲۱۳: ...فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين...

مکارم: خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند.
مجتبوی: پس خداوند پیامبران را برانگیخت نوید دهنده و بیم دهنده.
خرمشاهی: ...آنگاه خداوند پیامبران را مژده آور و هشدار دهنده برانگیخت...
ترجمه پیشنهادی: پس خداوند پیامبران را بیم و امید دهنده برانگیخت.
آیه ۲۶۴: ...فأصابه وابل فترکه صلدا...
مکارم: ...و رگبار باران به آن برسد (و همه خاک ها و بذر ها را بشوید) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند.
مجتبوی: ...و تند بارانی به آن برسد (و آن خاک را ببرد) و سنگ را همچنان سخت و صاف - بدون خاک - بگذارد.
خرمشاهی: ...و باران سنگینی بر آن بیارد و آن را همچنان سترون و اگزارد...
ترجمه پیشنهادی: ...و باران سنگینی بر آن بیاید پس آن را بی بهره و اگزارد...

د - حروف معانی:

حروف معانی که مرکب از حروف مبانی است در صورتی مدلول و مضمون آن، رسانده می شود که پیش از اسم یا فعل بیاید. فهم و درک این حروف، تأثیر به سزایی در ترجمه دارد؛ گاهی به کارگیری اشتباه حروف معانی در ترجمه، خلاف پیام زبان مبدأ است مثلاً، افعال حروف معانی مخصوص به خود دارند؛ فعل «رَغِبَ» با حرف «فی» یا «عن» یا «الی» معنای خاص خود را پیدا می کند یا حرف «من» به تنهایی بیش از بیست معنا دارد که مترجم آن را در جمله استنباط می کند. پس کاربرد حروف معانی نیز از جمله موضوع هایی است که باید مترجم، بدان توجه کند.

بقره ۸۵: ...و ما الله بغافل عما تعملون

مکارم: و خداوند از آن چه انجام می دهید غافل نیست.
مجتبوی: و خدای از آن چه می کنید غافل نیست.
خرمشاهی: و خدا از آن چه می کنید غافل نیست.
ترجمه پیشنهادی: و خداوند از کارهایتان بی خبر نیست.
آیه ۱۰۲: ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه

مکارم: به هیچ کس چیزی یاد نمی‌دادند مگر اینکه از پیش به او می‌گفتند ما وسیله آزمایشیم .
 مجتبیوی: و این دو هیچ کس را نمی‌آموختند مگر اینکه می‌گفتند ما آزمونیم .
 خرّمشاهی: این دو به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند مگر آنکه می‌گفتند ما مایه آزمونیم .
 ترجمه پیشنهادی: این دو هیچ کس آموزش نمی‌دادند تا اینکه بگویند ما فقط خبره
 و کاردانیم .

آیه ۱۴۲: سيقول السّفهاء من النّاس.

مکارم: به زودی سبک مغزان از مردم می‌گویند:

مجتبیوی: زودا که نابخردان مردم گویند:

خرّمشاهی: کم خردان از مردم به زودی خواهند گفت:

ترجمه پیشنهادی: به زودی، برخی مردم کم خرد خواهند گفت:

بقره ۱۴۳: و ما كان الله ليضيع إيمانكم...

مکارم: و خداوند هرگز ایمان شما را ضایع نمی‌گرداند.

مجتبیوی: و خداوند بر آن نیست که ایمان شما را تباه کند.

خرّمشاهی: و خداوند هرگز ایمان شما را ضایع نمی‌کند.

ترجمه پیشنهادی: و خداوند هرگز ایمان شما را تباه نمی‌کند.

ه - مفعول مطلق:

معادل مفعول مطلق در زبان مقصد وجود ندارد، هر چند گاهی گریه برداری نحوی و دستوری صورت می‌گیرد، مثلاً «أكرمه أكراماً» را به «أورا احترام گذاشت احترام گذاشتنی» ترجمه می‌کنند که در حقیقت گریه برداری نحوی است در صورتی که می‌توان برای مفعول مطلق از قیدهایی چون: بسیار، حتماً، قطعاً، و... استفاده کرد.

آیه ۸۳: و إذ أخذنا ميثاق بني إسرائيل لا تعبدون إلا الله و بالوالدين إحسانا...

مکارم: و { به یاد آورید } زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و... نیکی کنید.

مجتبیوی: و { به یاد آرید } آنگاه که از فرزندان اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدای را نپرستید و

به پدر و مادر و ... نیکی کنید.

خرمشاهی: و یاد کنید که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

ترجمه پیشنهادی: و آن زمان را (به یاد آورید) که از بنی اسرائیل، پیمان گرفتیم تنها خدا را بپرستید و به پدر و مادر و ... بسیار نیکی کنید.

و: صفت و موصوف:

در زبان مقصد میان صفت و موصوف فاصله نمی افتد ولی در زبان مبدأ، به دلایلی فاصله می افتد پس در ترجمه متون باید به این موضوع مهم توجه کرد.

آیه ۱۰۱: لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ.

مکارم: هنگامی که فرستاده ای از سوی خدا به سراغشان آمد و با نشانه هایی ... مطابقت داشت

مجتبوی: و چون فرستاده ای از سوی - یعنی محمد (ص) - نزد آنها آمد که ... باور دارد

خرمشاهی: و چون پیامبری از سوی خداوند به نزد ایشان آمد که گواهی دهنده بر (حقانیت) کتابشان بود.

ترجمه پیشنهادی: و چون پیامبری گواهی دهنده بر کتابشان (حقانیت) از سوی خداوند به نزد ایشان آمد.

ز - ترتیب اجزای جمله:

ترتیب اجزای جمله در زبان مبدأ به دو صورت می آید:

الف - جمله فعلیه: فعل + فاعل + مفعول + ... ۱۲

ب - اسمیه: مبتدا + خبر

و در زبان مقصد نیز به دو صورت می آید:

الف - فعلیه: فاعل + مفعول + ... + فعل

ب - اسمیه: مسندالیه + مسند + فعل ربطی

هر چند گاهی فاعل در زبان مبدأ، در ترجمه در زبان مقصد مفعول می شود.

آیه ۱۱۴: وَ مِنْ أَظْلَمِ مَنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا.

مکارم: و کیست ستمکار تر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلو گیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟

مجتبوی: و کیست ستمکار تر از آن که نگذاشت در مسجدهای خدا نام او را یاد کنند و در ویرانی آنها کوشید؟

خرمشاهی: و کیست ستمکار تر از کسی که نگذارد نام خداوند در مساجد یاد شود و در ویرانی آن بکوشد.

ترجمه پیشنهادی: و ستمکار تر از کسی که مانع ذکر خداوند در مساجد شده و در ویرانی آنها می کوشد، کیست؟

آیه ۲۲۱: ولو أعجبیکم.

مکارم: هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد.

مجتبوی: که شما را خوش آید و به شگفت آورد.

خرمشاهی: هر چند که شما را از او خوش آید.

ترجمه پیشنهادی: هر چند که شما آن را بیسندید (خوشایندتان باشد).

ط - ترجمه بهتر:

آیه ۱۲: أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ.

مکارم: آگاه باشید که آنان خود تبهارانند ولی نمی فهمند.

مجتبوی: آگاه باشید که این ها همان مفسدانند ولی نمی فهمند.

خرمشاهی: بدانید که ایشان اهل فسادند ولی خود نمی دانند.

ترجمه پیشنهادی: با وجود این، خودشان فسادگر بوده، ولی نمی دانند.

آیه ۲۵: بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ.

مکارم: به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت

برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست.

مجتبوی: کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک و شایسته کرده اند، مژده بده که ایشان را

بهشتهاست که از زیر آنها، جویها روان است.

خرمشاهی: به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، نوید بده که ایشان را بوستانهایی

است که در فرودست آن، جو بیاران جاری است .

ترجمه پیشنهادی: به مومنان و نیکوکاران نوید بده که آنها بوستان‌هایی دارند که در فرو دست آنها جو بیاران، روان است .

آیه ۱۴۵: و ما أنت بتابع قبلتهم وما بعضهم بتابع قبلة بعض ولئن اتبعت أهوائهم من بعد ما جاءك من العلم انك اذا لمن الظالمين.

مکارم: و تو نیز، هیچ گاه از قبله آنان پیروی نخواهی نمود (آنها نباید تصور کنند که بار دیگر تغییر قبله امکان پذیر است) و حتی هیچ یک از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد و اگر تو پس از این آگاهی، متابعت هوسهای آنها کنی، مسلماً از ستمکاران خواهی بود .

مجتبوی: و تو نیز پیرو قبله آنها نیستی و آنها هم پیرو قبله یکدیگر نیستند و اگر پس از دانشی که سوی تو آمده، از هوسها و خواهشهای دل آنها پیروی کنی، هر آینه تو آنگاه از ستمکاران خواهی بود .

خرم‌شاهی: و تو (نیز) پیرو قبله شان نیستی، و آنان پیرو قبله همدیگر هم نیستند، و اگر پس از دانشی که بر تو فرود آمده است، از خواسته‌های آنان پیروی کنی، از ستمکاران خواهی بود .
ترجمه پیشنهادی: و تو (نیز) روی به قبله آنان نمی کنی، و آنها (هم) روی به قبله یکدیگر نمی کنند و اگر پس از یقینی که برای تو حاصل شده است، از خواسته‌های آنان پیروی کنی، در این صورت، جزو ستمکاران خواهی بود .

آیه ۱۴۶: الَّذِينَ آتَيْنَا هُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ.

آیت الله مکارم: کسانی که به آنان کتاب داده ایم او (پیامبر) را همچون فرزندان خود می شناسند (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند

مجتبوی: کسانی که کتابشان داده ایم او - محمد (ص) - را می شناسند همچنان که پسران خود را می شناسند و هر آینه گروهی از ایشان حق را می پوشانند در حالی که خود می دانند

خرم‌شاهی: اهل کتاب او را به همان گونه می شناسند که فرزندانشان را می شناسند. البته گروهی از آنان دیده و دانسته حق را پنهان می دارند.

ترجمه پیشنهادی: اهل کتاب او را - محمد (ص) - همانند فرزندانشان می شناسند البته گروهی از آنان، آگاهانه حق را نادیده می گیرند.

آیه ۱۷۱: و مثل الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءَ وَ نَدَاءَ صَمٍّ بِكُمُ عَمِي

فهم لا یعقلون

مکارم: مثل (تو در دعوت) کافران بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر) صدا می‌زند ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی‌شنوند (حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی‌کنند، این کافران در واقع) کر و لال و نابینا هستند از این روی چیزی نمی‌فهمند
 مجتبوی: داستان (خواننده) کسانی که کافر شدند، چون داستان کسی است که به چیزی بانگ می‌زند که نمی‌شنود مگر خواندنی و آوایی. کرانند، گنگانند، کورانند پس هیچ در نمی‌یابند.
 خرّمشاهی: و داستان کافران همانند داستان کسی است که جانوری را که جز بانگ و ندایی نمی‌شود، آواز می‌دهد، ناشنوا و گنگ و نابینا هستند و از این روی نمی‌اندیشند.
 ترجمه پیشنهادی: و داستان کافران، همانند داستان کسی است که جانوری را که فقط، بانگ و ندایی می‌شود، آواز می‌دهد؛ کر، گنگ و نابینا پس نمی‌فهمند.
 آیه ۱۷۲: یا ایّها الذّین امنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم.

مکارم: ای کسانی که ایمان آورده اید! از پاکیزه‌هایی که شما را روزی کرده ایم بخورید.
 مجتبوی: ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت‌های پاکیزه که به شما روزی داده ایم بخورید.
 خرّمشاهی: ای مومنان! از پاکیزه‌های آنچه روزیتان کرده ایم بخورید.
 ترجمه پیشنهادی: ای مومنان! از روزی پاکیزه ما بخورید.

ی - کاربرد واژگان مهجور:

این قسمت، توضیح زیادی نیاز ندارد زیرا مخاطب به خوبی با ترجمه‌هایی سر و کار داشته است که برای وی، مهجور و نامأنوس بوده است. بنابراین، مترجم باید کلمات سلیس و روان و آسان را به کار گیرد طبیعی است مترجمی که کلمات سخت و مهجور به کار می‌برد، نمی‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند

بقره ۱۴۸: اینما تکونوا یا تیکم الله جمیعا...

مکارم: ... هر جا باشید خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر کند...

مجتبوی: ... هر جا که باشید خداوند همه شما را فراهم می‌آورد...

خرّمشاهی: ... هر جا که باشید خداوند همگی شما را در آخرت باز می‌آورد...

ترجمه پیشنهادی: هر جا که باشید خداوند شما را (برای پاداش و کیفر، روز رستاخیز) با هم حاضر

کند...

آیه ۱۸۷: إِنْكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ.

مکارم: شما به خود خیانت می کردید (و این کار ممنوع را انجام می دادید)

مجتبوی: شما به خود خیانت می کردید .

خرمشاهی: که با خود ناراستی می کنید .

ترجمه پیشنهادی: بی تردید، شما به خودتان نارو می زدید .

آیه ۲۰۷: وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ.

مکارم: بعضی از مردم (با ایمان و فداکار هم چون علی(ع) در لیلۃ المبیت به هنگام خفتن در

جایگاه پیغمبر (ص)) جان خود را به خاطر خوشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به

بندگان رئوف است.

مجتبوی: و از مردم، کس هست که جان خویش به جستن خوشنودی خدا می فروشد و خدا به

بندگان مهربان است.

خرمشاهی: و نیز از مردمان کسی هست که در طلب خوشنودی خداوند از جان می گذرد و

خداوند به بندگان رئوف است.

ترجمه پیشنهادی: و یک نفر «حضرت علی(ع)» برای جلب خوشنودی خداوند از جان خود

می گذرد؛ در حالی که خداوند به بندگان بسیار مهربان است.

آیه ۲۱۸: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ

رَحِيمٌ.

مکارم: کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند آنها امید به

رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است .

مجتبوی: همانا کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده اند

به مهر و بخشایش خدا امید دارند و خدا، آمرزگار و مهربان است .

خرمشاهی: کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که در راه خدا هجرت و جهاد کرده اند، اینانند که

به رحمت الهی امیدوارند و خداوند آمرزگار مهربان است .

ترجمه پیشنهادی: بدون تردید، مومنان، مهاجران و مجاهدان در راه خدا به رحمت الهی امیدوارند

در حالی که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است .

آیه ۲۵۳: تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ.

مکارم: آن پیامبران، برخی‌شان را بر برخی برتری دادیم.
 مجتبیوی: بعضی از آن رسولان بعضی را بر بعضی دیگر برتری دادیم.
 خرّمشاهی: اینان پیامبرانی هستند که بعضی را بر بعضی برتری بخشیده ایم.
 ترجمه پیشنهادی: برخی از این پیامبران را بر دیگری برتر دانستیم.

پی‌نوشت‌ها و منابع:

- ۱ - ترجمه‌های آیت‌الله مکارم شیرازی، دکتر مجتبیوی و بهاء‌الدین خرّمشاهی.
- ۲ - مجله مترجم، سالار منافی اناری، نگاهی به ترجمه‌های انگلیسی قرآن، سال دوم، شماره‌های ۴ و ۳، ۱۳۶۶ ش. ص ۴.
- ۳ - مطالعات ترجمه، محمدحسن تقیه، ترجمه قرآن: چالش‌ها و راهکارها، سال اول شماره ۱، ۱۳۸۲ ش. ص ۴۳.
- ۴ - قرآن کریم، ترجمه: آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۴ ش.
- ۵ - قرآن کریم، ترجمه و توضیح: دکتر سید جلال‌الدین مجتبیوی، انتشارات حکمت، ۱۳۷۱ ش.
- ۶ - قرآن کریم، ترجمه: بهاء‌الدین خرّمشاهی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۷۸ ش.
- ۷ - سیمای پژوهش در قرآن (مجموعه مقالات، به اهتمام محمدکاظم شاکر)، محمدحسن تقیه (بایسته‌ها در ترجمه متون مقدس)، انتشارات رایزن، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۵۹.
- ۸ - موسوعة النحو، الصرف و الاعراب، امیل بدیع یعقوب، لبنان، بیروت دار العلم للملایین، ۱۹۸۸ م.
- ۹ - النحو الوافی، عباس حسن، ج ۳، مصر، دارالمعارف، بی‌تا، ص.
- ۱۰ - مبادی العربیة، رشید الشرتونی، ج ۴، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، ۱۳۶۸ ش.